

دین و توسعه



حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

«هو انشأكم فى الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربی قریب مجیب»^۱

مقدمه

معنای لغوی دین، انقیاد، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا است و معنای اصطلاحی آن مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانها باشد. آنگاه که همه این مجموعه حق باشد دین را دین حق یعنی دینی که عقاید، اخلاق و قوانین و مقررات آن از طرف خداوند نازل شده، می نامند. در قرآن از آن به دین الله^۲، دین الحق^۳ یاد شده است.

از آنجا که دین برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانهاست، هماهنگی قوانین و مقررات آن با نیاز واقعی جامعه و مناسبت آن با تحولات اجتماع و مطابقت آن با سرشت و سیر جوهری انسان، میزان حق بودن آن است. اسلام به حکم آنکه از ناحیه خدا آمده و مبتنی بر فطرت انسانی است یعنی مبدأ فاعلی آن خدا و مبدأ قابلی آن فطرت انسانهاست^۴، تنها دین حق بوده و کامل و تمام است «الیوم اکملت لکم دینکم»^۵ و جز آن هیچ قانونی از هیچ کس پذیرفته نیست ان الدین عند الله الاسلام^۶ و هر کس غیر از این آئین را دنبال کند از او به هیچ عنوان پذیرفته نخواهد بود «و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه»^۷

شهر اسلامی را مدینه می نامند زیرا مدینه مکان ظهور دین و مهد تمدن و مدنیت ناشی از دین است و از این رو با حضور پیامبر و پیاده شدن دین در یثرب مدینه النبی شکل گرفت.

از آنجا که دین اسلام خاتم ادیان است و همه نیازهای انسان را بیان کرده «تبیاناً لکل شیء»^۸ و براساس برداشت کسانی که نظام اسلامی را، نظام امامت و امت دانسته و شرط اصلی امام را عصمت می شمارند و در زمان غیبت فتاوی و احکام مجتهد و اسلام شناس را حجت و مطابق با مصالح واقعی دانسته اند، قلمرو دین همه قوانین و مقررات جامعه است. توضیح مطلب آنکه انسان نمی تواند همانند دیگر حیوانات به صورت مستقیم از طبیعت بهره برداری کند و برای حداقل زندگی نیازمند به خوراک، پوشاک و مسکن است. این نیاز از طریق تصرف و دخالت در طبیعت تأمین و برآورده می شود بدیهی است این امر حیاتی

بدون همکاری و همیاری و هماهنگی با دیگران محقق نمی‌شود و همیاری و هماهنگی افراد، نیازمند به اجرای ضوابط و قوانین معین و مشخصی می‌باشد. این قوانین برای اینکه سعادت زندگی اجتماعی را تأمین کند باید براساس آگاهی نسبت به مصالح همگان بوده و همچنین به دور از هوی و هوس‌هایی باشد که به دنبال کسب منافع شخصی و گروهی است. یعنی قانونی که جاهلانه و یا براساس هوی و هوس تنظیم شده باشد، تضمین کننده سعادت اجتماعی نیست و قانون معصوم از خطا و مصون از هوس تنها توسط انسان معصومی که متکی به وحی الهی است، از ذات اقدس پروردگار دریافت می‌شود. این نیاز در زمان حضور پیامبر (ص) و معصوم (ع) توسط شخص ایشان پاسخ داده می‌شود و سیره پیامبر (ص) و امامان (ع) در مسائل اجتماعی و ابلاغ احکام و قوانین کلی و همچنین مسائل اجرایی جامعه توسط آنان دلیل و گواه این سخن است.

در زمان غیبت، استمرار اجتهاد و ولایت منصوبان از طرف پیامبر و ائمه یعنی فقهای جامع الشرائط، دین را بر کمال و تمامیت خود نگاه می‌دارد. این تبیین احکام کلی شریعت نسبت به موضوعات و از جمله موضوع‌های تازه و بی‌سابقه با اجتهاد مستمر و رفع نیازهای اجتماعی و هدایت امور جاری با استمرار ولایت فقها محقق می‌شود.

ولی‌آمر جامعه از آن جهت که آگاه به زمان است، به مصلحت نظام و موارد مزاحمت احکام با یکدیگر پی برده و از آن جهت که آگاه به احکام است به تشخیص اهم و مهم پرداخته و در نهایت، با رعایت اهم، حکم لازم را اعلام می‌دارد و با اجرای مسائل حکومتی و همچنین تشخیص و تقدیم موارد تزامم نظام اجتماعی، سیاست اجتماعی خود را پیدا می‌کند.

متولی دین که همانا دین‌شناس و دین‌باور متعهدی است و توان اجرای احکام و قوانین داخلی و خارجی آن را داشته باشد، مسؤولیت دارد که قوانین اسلام را از وجود کتبی و لفظی آن، به صحنه وسیع جوامع بشری کشانده و آن را از علم به عین آورد. از این حقیقت به احیاء سنت تعبیر شده است.^۹

لزوماً باید متولی دین فقیهی عادل و مدیر و مدبر و آگاه به زمان و شجاع باشد. زیرا زمانی مسلمین از تمدن اصیل بهره‌مند می‌شوند که اسلام ناب در بین جامعه اجرا شود و هنگامی قوانین اسلام جاری می‌شود که جامعه یک مسؤول متخصص اسلام‌شناس داشته باشد که دارای تشخیص احکام اسلامی و استنباط مجتهدانه است و همان مسؤول مجتهد باید دارای صفت ممتاز عدالت بوده باشد تا بتواند گفته‌های وی اعتماد کرد و از طرفی باید از بینش سیاسی اجتماعی و مانند آن برخوردار باشد تا بتواند قوانین اسلامی را بدون تحریف و تضییق و توسعه، اجرا نماید و چون جهان طبیعت محکوم به تزامم است، همانطور که مجتهد در تعارض ادله راه علاج آنها را می‌شناسد و با تقدیم نصّ و ترجیح اظهر بر

ظاهر، غائله تعارض را ختم کرده و راه اثبات حکم را بدون معارض عملی می‌نماید، یک متولی متعهد مجتهد نیز در تراحم احکام، هنگام اجراء راه علاج آنها را می‌داند و با تقدیم اهم بر مهم و ترجیح ضروری بر غیرضروری به طور مقطعی خار راه را از مسیر اجرا دور می‌دارد و میدان را برای اجرای احکام اهم یا ضروری باز می‌کند تا آنگاه که نوبت اجرای حکم مهم یا غیرضروری فرا رسد و این رهبری بدون آنکه در تشخیص اهم و مهم یا ضروری و غیرضروری سلیقه شخصی و مانند آن را معیار قرار دهد انجام می‌گیرد زیرا معیار آن را همانند معیار حل تعارض ادله شرع، اسلام با ارائه خطوط کلی قرار داده است.

نمونه تحقق قوانین اسلام و آثار عظیم آن را در توسعه و تعالی جوامع اسلامی در صدر اسلام شنیده و در عصر خود با قیام امام خمینی (ره) و حضور مردم آگاه دیده‌ایم.

البته همانطور که در صدر اسلام عیب‌ها و نقص‌هایی در اثر نفاق منافقان داخلی و تهاجم مشرکان و کافران خارجی، محاصره اقتصادی، ضعف ایمان گروهی و «ارجاف مرجفین» و کمبود نیروی کارآمد، پدیدار شد، ولی اسلامی بودن نظام و اعتلای مسلمین محفوظ ماند، دشواری‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی عصر حاضر نیز در اثر نفاق و شرک و کفر و ضعف ایمان و... در بدنه جامعه ما راه یافته و نه تنها اسلامی بودن نظام محفوظ مانده بلکه گام‌های بلندی در استقلال، توسعه و پیشرفت جامعه برداشته شده است.^{۱۰}

۱- نیاز، مبنای توسعه

انسان به حکم اینکه یکی از مخلوقات و موجودات و جزء ما سوی الله است، نیازمند می‌باشد و هر چه که نیازهای حقیقی او برآورده شود، او را از نقص به کمال سیر می‌دهد و اصولاً کمال آدمی مساوی با رفع نیازهای اوست و به همین دلیل رفع نیاز به عنوان هدف آدمی متبلور می‌شود.

نیازهای انسان دو دسته‌اند: ۱- نیازهای مادی، کمی و جسمی؛ ۲- نیازهای معنوی، کیفی و روحی. گرچه نیازهای مادی در فعلیت یافتن مقدم‌اند ولی نیازهای معنوی در ارزش تقدم دارند. نیازهای مادی انسان ناشی از قانون طبیعت است و به حسب آن حقوق طبیعی انسان‌ها شکل می‌گیرد و فلسفه وجودی حکومت‌ها شناخت و تأمین حقوق طبیعی انسان است زیرا این امر لازمه بقاء، دوام و کمال بشر است، به علاوه حکومت‌ها وظیفه کنترل و تعادل بخشیدن به خواسته‌های انسان‌ها را نیز دارند و حکومت، دین، اخلاق و قانون و سیاست در یک مجموعه همراه، کارکرد ویژه‌ای یافته و با هدایت، تعدیل و کنترل خواسته‌ها، ضمن فصل خصومت‌ها، با ایجاد ثبات و آرامش، امکان رفع نیازهای حقیقی و تحقق خواسته‌های مشروع همگان را برآورده ساخته و انسان را بسوی کمال، راهبر می‌شوند.

در رفع نیازهای انسان، توجه به رابطه او با نفس خود، سایر انسان‌ها، طبیعت و خالق او ضروری است. زیرا انسان بدلیل اینکه نیازمندترین موجودات و مخلوقات است، پس ارتباطی‌ترین موجودات نیز می‌باشد و برای رفع نیازهایش و تحقق خواسته‌ها و حصول کمال او باید به اندازه کافی و لازم با چهار عرصه مذکور در رابطه و ارتباط باشد.

لازمه برقراری رابطه انسان با چهار قلمرو ماوراء طبیعت، طبیعت، سایر انسان‌ها و خود او به جهت رفع نیازها چند چیز است: اولاً: علم و شناخت، ثانیاً: تبدیل آن علم به فن، تکنیک، روش و ابزار و ثالثاً: وجود ضابطه و نظم.

در فرهنگ و تمدن اسلامی اساس در درجه نخست، شناخت خدا و ماوراء طبیعت (مبدأ و معاد)، سپس شناخت انسان و نیازهای جامعه اوست، در درجه بعد برای برقراری رابطه انسان با خالق و ماوراء طبیعت و با ضرورت بهره‌برداری از طبیعت در جهت رشد و کمال، فنون و تکنیک‌هایی در قالب احکام و دستورات دینی وضع شده که این روابط دارای نظم و ضابطه خاصی است که در آن نه است شمار یعنی بهره‌کشی بی‌رحمانه انسان از انسان و نه استخراج یعنی بهره‌کشی بی‌رویه انسان از طبیعت و نه کفر و ظلم یعنی ندیده گرفتن مبدأ و معاد و نه از خودبیگانگی و خودفراموشی یعنی آنچه در آثار تمدن و فرهنگ غیر دینی وجود دارد، شکل نمی‌گیرد.

از این رو در کلام الهی یعنی قرآن مشاهده می‌کنیم که کتاب هستی را در مقابل انسان می‌گشاید و معارف و علوم را درباره ماوراء طبیعت، طبیعت، نفس انسان و انسانهای دیگر (جامعه) ارائه داده و مرتباً به انسان تذکر می‌دهد که علاوه بر این معلومات نقلی و تعبدی، درباره قلمروهای چهارگانه فوق تعقل و تفکر و مشاهده کند و او را نسبت به فنون و تکنیک‌های استفاده از این عرصه‌ها ارشاد نموده و برای تنظیم رابطه او با قلمروهای مذکور، ضوابط و نظم خاصی را در چهارچوب احکام خمس (حلال، حرام، مباح، مستحب و مکروه) توصیه می‌نماید.

۲- جهت توسعه

جامعه و تاریخ به پیروی از نظم کلی عالم، از قوانینی پیروی می‌کند و انسان با قدرت و شناختی که از قوانین طبیعی دارد، می‌تواند آگاهانه با استفاده از قوانین بر جهت حرکت جامعه و تاریخ تأثیر بگذارد. او با علم و شناختی که نسبت به محیط خویش دارد می‌تواند برای دگرگون کردن آن در جهت مطلوب گام بردارد و نظام دادن به حرکت جامعه به سوی وضع مطلوب تنها از طریق تشکل بخشیدن به نیروهای جامعه و استفاده از برنامه‌ریزی و روش منطقی میسر است. آنچه مهم است آن است که حرکت جامعه در

چه جهتی و به سوی چه هدفی باید باشد؟

از نظر اسلام، رسالت انسانی در آن است که جامعه و نظام اجتماعی خود را بسوی کمال سیر دهد و این حرکت در عین حال باید هماهنگ و همگام با حرکت طبیعت باشد و «الی الله المصیر»^{۱۱}. حرکت بسوی کمال در واقع حرکت بسوی تکامل انسان و کمال صفات عالی و اخلاقی و انسانی اوست و چون انسان نماینده و خلیفه خدا در زمین است، جامعه انسانی نیز باید مظهر پاکی، عدالت، علم و آگاهی، قدرت، زندگی و پویایی باشد و البته با توجه به نیازهای انسان باید با شناخت همه ابعاد نیازمندی او اعم از نیازهای مادی یعنی تمنیات دنیوی و نیازهای معنوی (گرایش‌های روحی) در یک حرکت هماهنگ به تأمین آنها همّت گماشت و این مطلب اساس و جوهره شکل‌گیری توسعه در نظرگاه اسلام می‌باشد.

۳- جامعه مطلوب

هدف انقلاب اسلامی، استقرار یک نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مبتنی بر تعالیم و آرمان‌های اسلامی بوده است، برای آنکه هدف توسعه و چشم انداز آن در فهم موضع دین نسبت به آن بسیار تعیین کننده است لازم است جامعه مطلوب دینی ترسیم شود.

خطوط کلی و ویژگی‌های آرمانی جامعه مطلوب و مورد نظر اسلام به شرح زیر است:

در جامعه اسلامی مردم در جهت تقرب و نزدیکی به خدا گام برداشته و تمام اعمال و افکارشان در جهت خدا بوده و خدا را در تمام شئون زندگی خود حس کرده و جز او نمی‌بینند و جز او نمی‌پویند.

در این جامعه تقرب و نزدیکی به خدا و محشور شدن با او تنها با داشتن تقوی و خدمتگذاری بی‌ریا به مردم میسر است. افراد این جامعه خدمتگذاری به خلق را جز انجام یک وظیفه در پیشگاه خدا، چیز دیگری نمی‌بینند. خدا را مالک همه چیز و حتی جان و مال و زندگی خود دانسته و خود را امانتدار خدا نسبت به آنچه که در اختیارشان گذاشته شده است می‌دانند، آنها در پاسداری از این امانت منتهای دقت را بخرج داده و اجازه نمی‌دهند به این امانت لطمه وارد شده و در استفاده از آن اسراف بی‌عمل آید.

در جامعه توحیدی نظام زندگی بر مبنای تعلق همه چیز به خدا و امانتدار بودن انسان نسبت به ملک خدا و استفاده از این مایملک برای تأمین نیازهای متعارف و معقول مادی جامعه بدون هیچ حیف و میل و اسراف و در جهت سیر بسوی خدا استوار است.

در جامعه آرمانی اسلامی جنبه‌های مادی و معنوی زندگی عمیقاً به یکدیگر همبسته‌اند و رستگاری انسان به سلامت و ارتباط این دو جنبه بستگی دارد. یعنی جامعه‌ای می‌تواند پویا، متحول و سالم باشد که پویایی و تحول را در هر دو زمینه مادی و معنوی تضمین کرده و تعادلی بین این دو به وجود آورد.

از دیدگاه اسلام برخلاف دیدگاه‌ها و مکاتب معتقد به اصالت فرد یا جامعه در عین حال که فرد از جامعه

جدا نیست، یعنی کارها و فعالیت‌های افراد جامعه نباید در تناقض با هدف‌ها و آرمان‌های کلی جامعه باشد، منافع اجتماع، حاصل جمع منافع تصویری و غالباً متناقض منافع یک‌یک افراد جامعه نیست، اسلام به مطلق‌گرایی در مسلط کردن و تحمیل چیزی به عنوان منافع جامعه بر افراد هم معتقد نیست. بلکه از این دیدگاه باید شرایطی به وجود آید تا نه تنها منافع و مصالح مادی و معنوی جامعه محفوظ بماند، بلکه فرد نیز این امکان را بیابد که حداکثر توانایی و خلاقیت خود را در جهت تعالی مادی و معنوی خویش و جامعه بکار بندد.

نکته دیگری که در جهت‌گیری کلی جامعه آرمانی قابل توجه است، آن که برخلاف بسیاری از مکاتب که از نظر آرمانی رفاه انسان را هدف قرار می‌دهد و این رفاه عملاً با جنبه‌های مادی زندگی پایان می‌پذیرد، در جامعه آرمانی اسلامی هدف، تبلور آن خصوصیات انسانی است که وی را بسوی تقرب و کمال سوق می‌دهد بدین جهت در عین حال که در این جامعه، افراد تمام کوشش خود را در جهت تعالی جنبه‌های مادی زندگی بکار می‌برند ولی تمام اعمالشان در جهت و بخاطر رضایت و نزدیکی به خداست. در این جامعه آرمانی هر فرد خود را ملزم به رعایت حقوق افراد جامعه دانسته و در کار خود احساس مسئولیت کرده، حس از خودگذشتگی، ایثار، جوانمردی، انضباط، وظیفه‌شناسی و صرفه‌جویی در او تقویت شده و علاقه به مطالعه و حل مسائل از طریق علمی، اعتقاد به اهمیت کیفیت زندگی در او نهادینه گردیده‌اند، در این جامعه هر فرد به کلیه افراد جامعه بخصوص آنهایی که به جامعه خدمت می‌کنند و از جمله به آنهایی که به او دانش یا حرفه‌ای آموخته‌اند احترام گذاشته و خود نیز از احترام شایسته برخوردار است. در این جامعه فردی را بر دیگری برتری نیست و به مصداق آیه «ان اکرمکم عند الله اتقیکم»^{۱۲} مردم، پرهیزکارترین و خدمتگذارترین را در بین خود عزیزترین می‌دانند.

برخی از ویژگی‌های کلی مورد نظر جامعه آرمانی اسلامی به اختصار به شرح زیر می‌باشند:

- وظیفه‌شناسی، کار و کوشش، انفاق، ایثار و شهادت براساس مفاهیم و سنن اسلامی به‌منظور تداوم روحیه انقلابی و تحقق بخشیدن به هدف‌های انقلاب در جامعه وجود دارد.
- هر فرد خود را در برابر خدا و جامعه بر اساس آموزه‌های مکتب توحیدی اسلام متعهد و مسئول می‌داند.
- حس برادری و رعایت برابری در حرمت و شأن و منزلت در همه افراد جامعه وجود دارد.
- حس بردباری و تحمل عقاید و رعایت حقوق دیگران و احترام به آراء اکثریت در امور جمعی و احترام به نظریات و حقوق اقلیت در همه افراد جامعه وجود دارد.
- حس مشارکت و مشاورت در کلیه امور اجتماعی که مستقیماً با زندگی افراد جامعه ارتباط پیدا

- می‌کند در بین مردم وجود داشته و هر فرد خود را نسبت به رویه‌ها و ترتیباتی که برای مشارکت و مشاورت مورد قبول عام قرار گرفته متعهد و مسئول می‌داند.
- حس مسئولیت در برابر امور عمومی مردم و رجحان دادن منافع عمومی بر منافع خصوصی و نیز رجحان دادن ضوابط و معیارهای قانونی بر روابط خصوصی در بین مردم وجود دارد.
 - احساس میهن دوستی بر اساس اعتلای میراث‌های فرهنگی ایرانی و اسلامی در افراد جامعه وجود دارد.
 - داشتن یک اقتصاد شکوفا و پویا هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است در جهت حرکت انسان بسوی خداوند.
 - اصول مترقی اسلامی همچون اصل لاضرر و لاضرار بر فعالیت‌های اقتصادی حاکم است.
 - اقتصاد در عین پویایی و شکوفایی نیازهای معقول و متعارف مادی افراد جامعه را جوابگوست و در عین حال افراد را از اسراف برحذر می‌دارد.
 - انسان‌ها در مقابل استفاده از کلیه مواهب خدادادی از امکانات برابر برخوردار می‌باشند.
 - محیط مناسب و انگیزه‌های مادی و معنوی برای بروز استعدادها، خلاقیت و ثمر دهی افراد وجود دارد.
 - ثروت ملی به طور عادلانه برای بالا بردن رفاه اجتماعی اقشار مردم بمصرف می‌رسد.
 - جامعه برای کار و زمان ارزش قائل است و از طریق پاداش‌های معنوی و مادی این ارزش را نهادینه می‌نماید.
 - جامعه برای علم، پژوهش، تکنولوژی برای احراز استقلال اقتصادی که بسیار مؤثر در استقلال فرهنگی و سیاسی است ارزش قائل است.
 - از نیروی انسانی و منابع طبیعی کشور استفاده بهینه بعمل می‌آید.
 - جامعه در حفاظت محیط زیست، در قبال تخریب و آلودگی در رابطه با بهره‌برداری تولیدی و مصرفی بنحوی پویا و مؤثر عمل می‌کند.
 - پویایی و انعطاف لازم در اقتصاد جهت رشد و تطابق با شرایط زمان و مکان و فرهنگ جامعه و نیازهای مردم وجود دارد.
 - آموزش، پژوهش، نوآوری و توسعه جزء لاینفک کلیه فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی می‌باشد.
 - کشور در جامعه جهانی از عدم وابستگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به قدرت‌ها و از حسن روابط سیاسی و اقتصادی با کلیه کشورها برخوردار است.

- برنامه‌ریزی به عنوان اصل و روش عقلایی برای حصول به آرمان‌های جامعه پذیرفته شده است و اجرای برنامه‌ها بستگی به سلیقه و نظر فردی سیاستمداران و مدیران ندارد.
- مالکیت مشروع و مشروط محترم است و افراد جامعه در کارهای اقتصادی و اجتماعی به تناسب فعالیت خود از ثمرات آن بهره‌مند می‌گردند و از این طریق می‌توانند با کار و فعالیت بیشتری زندگی بهتری داشته باشند.
- آزادی عقیده، بیان، اجتماع، و حق سکنی در هر منطقه از کشور برای افراد و اجتماعات وجود دارد و موجب به وجود آمدن خلاقیت و پویایی زندگی و تفاهم در جامعه شده است.
- اصول حکومت بر آرمانهای اسلامی است که توسط نمایندگان منتخب مردم در ارگان‌های دولتی و شوراهای مردمی تحقق می‌پذیرد.
- روش حکومت بر اصل استمرار امور اجرایی در استان‌ها و ایجاد هماهنگی در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی در سطح دولت مرکزی و در کلیه سطوح با همکاری نهادهای مردمی است.
- کشور از یک نظام دفاعی با قدرت لازم برای رفع خطرات احتمالی برخوردار است و این نظام دفاعی با نهادهای مردمی پیوستگی و همکاری نزدیک دارد.
- افراد و گروه‌ها از اعمال غیر مشروع قدرت حکومت در امان هستند.
- همه افراد، اقشار و گروه‌های کشور از حمایت قانون برخوردار هستند و هیچکس حق ندارد افراد و یا گروه‌ها را بدون رعایت حقوق قانونی از آزادی حق حیات و یا حق مالکیت محروم نماید و ...

۴ - وضعیت توسعه در فضای کنونی

مباحث مربوط به توسعه اساساً بعد از جنگ جهانی دوم بویژه در آمریکا مطرح شده و زمینه‌های تاریخی خاصی همچون استقلال مستعمرات در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و ظهور دولت - ملت‌های جدید در جهان سوم باعث گردید که این کشورها بدنبال الگوی توسعه مناسب برای بهبود اقتصادی و اجتماعی خود برآیند. در چنین شرایطی آمریکا که رهبری جهان سرمایه‌داری بعد از جنگ را به عهده گرفته بود، تلاش کرد تا با ارائه توصیه‌ها و الگوهای لازم ارتباط این کشورها را با نظام سرمایه‌داری جهانی حفظ کرده و منافع خود را از این طریق تأمین کند.

پس از بسیج متخصصین مختلف در مطالعه دولت‌ها و توسعه جهان سوم و ارائه نظریات نظریه‌پردازان مکتب مدرنیزاسیون با مبانی نظری خاص و پیاده شدن دیدگاه‌های این مکتب و پیامدهای ناشی از آن، انتقادات مهم و متعددی به نگرش مدرنیستها انجام گرفت و الگوی مدرنیزاسیون توسعه بشدت زیر سؤال

رفت. و نظریه نئومدرنیزاسیون با ویژگیهای خود شکل گرفت.

پس از انقلاب اسلامی در ایران دو نگرش ۱- نئومدرنیزاسیون و ۲- بومی - مذهبی به توسعه در کشورمان شکل گرفت. نگرش اول متأثر از مکتب مدرنیزاسیون و نئومدرنیزاسیون بوده و توسعه و در آن توسعه، اصل دین و مذهب به عنوان ابزار توسعه مورد توجه بوده است ولی در نگرش دوم اهداف و آرمانهای ملی - مذهبی، اصل قرار گرفته و توسعه بر محور آن تعریف می شود.

جمع بندی

دین اسلام و مذهب شیعه در مقابل توسعه منفعل نیست بلکه جهت گیری فعال در خصوص نحوه زندگی این جهانی انسان داشته و دارای موضع خاصی در خصوص اهداف و جهت گیری های توسعه است. تبیان بودن قرآن «تبیاناً لکل شیء»^{۱۳} به معنی بیان کنندگی همه نیازهای انسانی است و بدلیل جامعیت شریعت و کاملیت دین، اسلام مبتنی بر فطرت پاسخگوی همه نیازهای انسانی است. اسلام بر تعیین اهداف توسعه تأثیر اساسی داشته و در خصوص راهکارهای توسعه نیز بی تفاوت نیست و در تعیین برخی از راهکارها دخالت داشته و در عین حال برای بازنگری آن راهکارها براساس مصالح جامعه، دارای ابزارهای لازم می باشد. اسلام در حوزه وسیعی، مشروعیت تصمیم گیری عقلا را در خصوص راهکارها پذیرفته و مکانیسم لازم برای انطباق شریعت با مصالح جامعه اسلامی را داراست. زیرا از یکسو با به رسمیت شناختن عقل، بنای عقلا، عرف و تأکید بر مصلحت به عنوان پشتوانه حکمت احکام و از سوی دیگر با پذیرش نقش و نظر عقلا و کارشناسان در حوزه مباحث ما لا نصّ فیہ^{۱۴} از واقع گرایی، انعطاف پذیری و مصلحت اندیشی لازم برخوردار است.

پانوشته ها:

- ۱- سوره هود، آیه ۶۱.
- ۲- سوره نصر، آیه ۲ و رأیت الناس یدخلون فی دین الله .
- ۳- سوره توبه، آیه ۳۲ هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق .
- ۴- سوره روم، آیه ۳۱ فطره الله التی فطر الناس علیها .
- ۵- سوره مائده، آیه ۳ .
- ۶- سوره آل عمران، آیه ۷۵ .
- ۷- سوره آل عمران، آیه ۸۵ .
- ۸- سوره نحل، آیه ۸۹ .
- ۹- الاحیاء للسنه .

- ۱۰ - برگرفته از کتاب در آئینه معرفت آیه الله جوادی آملی .
- ۱۱ - سوره شوری، آیه ۱۵ .
- ۱۲ - سوره حجرات، آیه ۱۳ .
- ۱۳ - سوره نحل، آیه ۸۹ .
- ۱۴ - آنچه که در مورد آن تصریحی در دین وجود ندارد .

